



Mashreghnews.ir

The Brookings Project on U.S. Relations with the Islamic World
2010 U.S.-Islamic World Forum Papers

همکاری‌های قابل تبدیل در روابط ایالات متحده و جهان اسلام:
توانمندسازی شبکه‌ها به منظور توسعه جمعی و تغییر اجتماعی

Transformative Partnerships in
U.S.-Muslim World Relations:
Empowering Networks for Community
Development and Social Change

CONVENED AND AUTHORED BY:
Peter Mandaville



at BROOKINGS
June 2010

گردآورنده: پیتر منداویل (Peter Mandaville)



Mashreghnews.ir

سرویس جنگ نرم مشرق؛ مطالب زیر حاصل نشست مرکز مطالعات خاورمیانه سابان است که زیرمجموعه موسسه بروکینگز بوده و پروژه ای را تحت عنوان "روابط ایالات متحده با جهان اسلام" دنبال می کند. این نشست در تابستان سال گذشته در دوحه برگزار شد و تمرکز خود را بر مسایل شبکه های اینترنتی و توانمندسازی آنان در قرار داد که به نظر می رسد، راهکار و نقطه ی جدیدی برای درگیر شدن آمریکا در مسایل داخلی کشورهای اسلامی و جهان اسلام باشد؛ به طوریکه هیچگاه آمریکایی ها مورد اتهام دخالت سیاسی در امور داخلی کشورهای حوزه جهان اسلام قرار نمی گیرند بلکه صرفا یک مساله اجتماعی و همکاری علمی در زمینه های اجتماعی در ظاهر به نظر می رسد. به دلیل اهمیت، ترجمه مطالب ارائه شده در این نشست توسط گروه جنگ نرم مشرق، به طور کامل منتشر می شود:

در مورد پروژه روابط ایالات متحده با دنیای اسلام در بروکینگز

این پروژه یک برنامه تحقیقاتی گسترده است که در مرکز مطالعات خاورمیانه سابان در حال اجرا است. این پروژه پژوهش های عمیقی با رویکرد دیپلماسی عمومی ترتیب می دهد و اندیشمندان و صاحب نظران مسائل مربوط به روابط میان آمریکا و دنیای اسلام را گرد هم می آورد. این پروژه می کوشد با سیاستگذاران، بازیگران و دیگر افراد ارتباط برقرار کند و ایشان را در مورد پیشرفت های کشورها و اجتماعات مسلمان و ماهیت روابط آنها با آمریکا، آگاه سازد. با همکاری مرکز دوحه بروکینگز در قطر، این پروژه از رویدادها، ابتکار عمل ها، پروژه های تحقیقاتی و نشریاتی حمایت می کند که در جهت آموزش، تشویق مباحث آزاد و ایجاد همکاری های مثبت میان آمریکا و دنیای اسلام، طراحی شده اند. این پروژه چندین عنصر به هم پیوسته را در بر می گیرد:

- نشست ایالات متحده - جهان اسلام؛ که در آن چهره های برجسته از حوزه های مختلف سیاست، تجارت، رسانه، دانشگاهی و جامعه مدنی از سراسر جهان اسلام و آمریکا گرد هم می آیند و مهمترین مسائل پیشرو را به بحث و گفتگو می گذارند.
- برنامه پژوهشگران مدعو؛ در این برنامه اندیشمندان و ژورنالیست های دنیای اسلام مدتی از زمان خود را در مؤسسه بروکینگز صرف تحقیق و نوشتن می کنند، تا بدین وسیله سیاستگذاران آمریکا را از مسائل کلیدی که دولت ها و جوامع مسلمان با آن مواجهند، آگاه کنند.
- مؤسسه بروکینگز مجموعه ای از مقالات و رسالات را گردآوری کرده است که مسائل اساسی و قابل اهمیت برای آمریکا و دنیای اسلام را پوشش می دهد.



Mashreghnews.ir

- برنامه هنري فرهنگي؛ در اين برنامه تلاش مي‌شود شيوه‌هايي که رهبران و سازمان‌هاي هنري و فرهنگي مي‌توانند از طريق آنها تفاهم ميان آمريکا و جامعه جهاني اسلامي را بالا ببرند، شناسايي شوند.
- برنامه تبادلات علمي تکنولوژيک؛ در اين برنامه نقشي که برنامه‌هاي علمي و تکنولوژيک مشترک ميان آمريکا و دنياي اسلامي در رفع نيازهاي توسعه‌اي و تحصيلي مي‌تواند ايفا کند، بررسي شده و تلاش بر حداکثر سازي روابط مثبت است.
- برنامه رهبران اعتقادي که نمايندگان عمده اديان ابراهيمي را از سراسر دنياي اسلام و آمريکا گردهم مي‌آورد تا برنامه‌هاي عملي ممکن را به منظور کاهش اختلافات ديني به بحث بگذارند.
- مجموعه کتب انتشارات مؤسسه بروکينگز؛ که هدف آن جمع‌آوري يافته‌هاي پروژه‌هاي مختلف براي انتشار عمومي است.

هدف اصلي اين پروژه گام برداشتن در جهت دستور کار اصلي مؤسسه بروکينگز، يعني کاستن از فاصله ميان جامعه دانشگاهي و ديپلماسي عمومي، است. پروژه به دنبال آن است که بر دانش تصميم‌سازان و رهبران فکري بيافزاید و همچنين اساتيد، تحليلگران و عموم مردم را در فهم مسائل سياسي توانمندتر سازد. پروژه جهان اسلام - ايالات متحده از حمايت حاميان بسياري از جمله دولت قطر، بنياد فورد، بنياد خيريه دوريس داک (Doris Duke Charitable Foundation) و مؤسسه کارنگي برخوردار شده است.

گردانندگان اين پروژه عبارتند از: مارتين اينديک، معاون [مؤسسه بروکينگز] و سرپرست ميز مطالعات سياست خارجي؛ کنث پولاک، کارشناس ارشد و سرپرست مرکز سابان؛ بروس ريډل، کارشناس ارشد در مرکز سابان، استيفن آر. گراند، کارشناس و سرپرست پروژه روابط ايالات متحده با جهان اسلام؛ شبلي تلهامي، کارشناس ارشد غير مقيم و از اعضاي کرسبي انور سادات براي صلح و پيشرفت (Anwar Sadat Chair for Peace and Development) در دانشگاه ماريلند و هدي عمر سرپرست مرکز بروکينگز در دوحه.



مرکز مطالعات سیاست‌گذاری خاورمیانه ساپان در بروکینگز

مرکز مطالعات سیاست‌گذاری خاورمیانه ساپان در ۱۳ می ۲۰۰۲ با سخنرانی عبدالله دوم پادشاه اردن، کار خود را آغاز کرد. ایجاد مرکز ساپان منعکس‌کننده حرکت مؤسسه بروکینگز به سمت پژوهش و تحلیل هر چه بیشتر در مورد مسائل سیاست‌گذاری خاورمیانه می‌باشد آن هم در زمانی که این منطقه به یکی از مهمترین مسائل دستور کار سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است.

کارشناسان با تجربه و آگاه مرکز ساپان با اطلاعات جدید خود در مورد مسائل جدی خاورمیانه، پژوهش‌ها و تحلیل‌های متعادل، عینی، عمیق و به روزی را برای سیاست‌گذاران و شناسندگان فراهم می‌آورند. این مرکز هم به تأسی از مؤسسه بروکینگز درهای خود را به روی دیدگاه‌های مختلف باز گذاشته است. مرکز ساپان در پیگیری هدف اصلی خود می‌کوشد از طریق پژوهش‌ها و مباحث علمی، سطح فهم از پیشرفت در خاورمیانه را بالا ببرد.

اعانه حیم و چریل ساپان از لس‌آنجلس، تأسیس این مرکز را ممکن ساخت. مارتین اس. ایندیک، سفیر اسبق آمریکا در اسرائیل، معاون مدیر کل و سرپرست مطالعات سیاست خارجی در بروکینگز، اولین سرپرست مرکز ساپان بود. سرپرستی کنونی مرکز را مارتین ام. پولاک بر عهده دارد. در مرکز ساپان یک گروه اصلی متشکل از کارشناسان خاورمیانه وجود دارد که انجام پژوهش‌های اصلی و پیشبرد برنامه‌ها بر عهده ایشان است تا از این طریق فهم بهتری از گزینه‌های سیاست‌گذاری پیشروی تصمیم‌سازان امریکایی، ایجاد شود. از جمله اعضای این گروه عبارتند از: بروس ریڈل، کارشناس ضد تروریسم که به عنوان مشاور ارشد چهار مدیر گروه خاورمیانه و آسیای جنوبی در شورای امنیت ملی آمریکا فعالیت داشته است و تجربه بیست و نه ساله کاری در سی‌آی‌ای را یدک می‌کشد؛ سوزان مالونی (Suzanne Maloney)، یکی از مقامات رسمی پیشین وزارت خارجه، که روی مسائل ایران و توسعه اقتصادی تمرکز دارد؛ استیفن آر. گراند، کارشناس و سرپرست پروژه روابط ایالات متحده با جهان اسلام؛ هدی عمر سرپرست مرکز بروکینگز در دوحه؛ شبلی تلهامی، کارشناس ارشد غیر مقیم و از اعضای کرسی انور سادات برای صلح و پیشرفت در دانشگاه ماریلند؛ و دنیل بایمن (Daniel Byman)، کارشناس تروریسم در خاورمیانه از دانشگاه جرج تون. مرکز ساپان در محل برنامه مطالعات سیاست خارجی در بروکینگز واقع شده است.

مرکز ساپان در پنج حوزه پژوهشی پیشگام است: مسائل مربوط به تغییر رژیم در عراق، از جمله تمدن‌سازی در دوران پس از جنگ و امنیت خلیج؛ پویایی سیاست داخلی ایران و تهدید تکثیر تسلیحات هسته‌ای؛ مکانیسم‌ها و ملزومات مورد نیاز برای حل منازعه اسرائیل - فلسطین از طریق



Mashreghnews.ir

رامحل دوکشور؛ سیاست‌گذاری جنگ علیه تروریسم، از جمله چالش همیشگی حمایت دولتی از تروریسم؛ و اصلاحات سیاسی و اقتصادی در جهان عرب و روش‌های لازم برای پیشبرد دموکراسی سازی.



همکاری‌های قابل تبدیل در روابط ایالات متحده و جهان اسلام: توانمندسازی شبکه‌ها به منظور توسعه جمعی و تغییر اجتماعی

گردآورنده: پیتر منداویل (Peter Mandaville)

دانشگاه جرج ماسون

نشست سالانه ایالات متحده - جهان اسلام، که از هفت سال پیش تا کنون در دوحه قطر برگزار می‌شود، به عنوان یکی از نشست‌های برتر [در این حوزه]، چهره‌های برجسته دولتی، جامعه مدنی، جامعه آکادمیک، جامعه تجاری، اجتماعات مذهبی و رسانه‌ای را از سراسر جامعه جهانی اسلام و آمریکا، گرد هم می‌آورد. در یک بازه زمانی سه روزه، این چهره‌های پویا مسائل مهم برای هر دو طرف را موضوع مباحث اندیشمندانه و گفتگوهای مختلف خود قرار می‌دهند.

در طول یک سال گذشته شاهد تغییری مهم در گفتمان آمریکا و جوامع جهانی مسلمان بوده‌ایم. رئیس جمهور جدید آمریکا رویکرد مثبت‌تری را در جهت برقراری ارتباط در پیش گرفت، و همانطور که در اظهارات خود در قاهره در واپسین روزهای ماه ژوئن اعلام کرد، ایجاد روابط جدید میان آمریکا و جوامع مسلمان را متعهد شد. در طول این نشست، ما به بررسی این موضوع پرداختیم که آیا این گفتمان دگرگون شده این رابطه را تغییر شکل داده است یا خیر و چگونه می‌توان آن را به برنامه‌ها و پیشنهادات سیاست‌گذاری حقیقی تبدیل کرد. ما همچنین مسائل کلیدی و مهم پیش روی جوامع جهانی مسلمان را به بحث و گفتگو گذاشتیم. حضور افرادی چون نخست وزیر رجب طیب اردوغان، انور ابراهیم، سائب اراکات (Saeb Erakat) و هیلاری رودهام کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، در میان دیگر بزرگان حاضر، حاکی از اهمیت این گردهم‌آیی است.

امسال همچنین شاهد تغییری در ساختار نشست بودیم؛ در این دوره، پنج کارگروه به نشست اضافه شد در تمام طول بازه سه روزه ساعت‌ها به بحث و گفتگو پرداختند. این کارگروه‌ها به سرپرستی یک مدیر، روی یک موضوع خاص تمرکز کرده و به انجام مباحث اندیشمندانه پرداختند و هر جایی که امکان فراهم شد، پیشنهادات جدی مطرح ساختند. پنج کارگروه ما در این دوره عبارت بودند از: «نقش رهبران مذهبی و جوامع مذهبی در دیپلماسی»، «دموکراسی و احزاب اسلامی: فرصت‌ها و چالش‌ها»، «توانمندسازی شبکه‌ها به منظور توسعه جوامع و اصلاحات اجتماعی»، «همکاری



Mashreghnews.ir

علمی، فکری و حکومتی به منظور رویارویی چالش‌های محیطی در حال ظهور» و «رسانه‌های جدید برای تماس جهانی بیشتر».

خوشحالیم که می‌توانیم مطلب زیر را که حاصل مباحث ارزشمند صورت گرفته در این نشست می‌باشد، با شما شریک باشیم. با این حال، لطفاً توجه داشته باشید که تمام ایده‌هایی که در این نوشتار منعکس شده و تمام پیشنهادهایی که ارائه شده است، صرفاً بیانگر رویکرد و دیدگاه مؤلف این اثر می‌باشد و ضرورتاً نظرات کارگروه‌های شرکت جسته در نشست یا موسسه بروکینگز منعکس نمی‌کند.

در اینجا فرصت را مغتنم شمرده و از دولت قطر برای تمام همکاری‌ها و کمک به برگزاری این نشست با حضور ما، تشکر می‌کنیم. به ویژه از امیر قطر، شیخ حامد بن خلیفه آل‌ثانی، نخست وزیر و وزیر امور خارجه قطر، شیخ حامد بن جاسم بن جابر آل‌ثانی و تمام کارمندان کمیته دائم برگزاری کنفرانس‌ها در وزارت امور خارجه به خاطر پشتیبانی و فداکاری‌هایشان در برگزاری این نشست تشکر می‌کنیم.

ارادتمند شما؛

دکتر استیفن آر. گرند (Dr. Stephen R. Grand)

پژوهشگر و رئیس هیئت مدیره پروژه روابط ایالات متحده با جهان اسلام

دوریا بادانی (Durriya Badani)

مدیر پروژه روابط ایالات متحده با جهان اسلام

کمیته رهبری

هادی عمر (Hady Amr)

پژوهشگر و سرپرست مرکز بروکینگز در دوحه

دکتر استیفن آر. گرند (Dr. Stephen R. Grand)

پژوهشگر و رئیس هیئت مدیره پروژه روابط ایالات متحده با جهان اسلام

کنث ام. پولاک (Kenneth M. Pollack)

پژوهشگر ارشد و مدیر مرکز سابان در بروکینگز

مارتین اس. ایندیک (Martin S. Indyk)

معاون مدیر کل و سرپرست مطالعات سیاست خارجه، مؤسسه بروکینگز

بروس ریدل (Bruce Riedel)

پژوهشگر ارشد

مرکز سابان در بروکینگز

شیبلی تلحامی (Shibley Telhami)

عضو گروه انور سادات

دانشگاه ماریلند



همکاری‌های قابل تبدیل در روابط ایالات متحده و جهان اسلام: توانمندسازی شبکه‌ها به منظور توسعه جمعی و تغییر اجتماعی

گردآورنده

پیتر منداویل (Peter Mandaville)

دانشگاه جرج ماسون

مردم مسلمان در سراسر دنیا، اساساً عمده اولویت‌ها و نگرانی‌های خود را در قالب مسائلی چون توسعه، عدالت و امنیت اقتصادی، تعریف می‌کنند. تلاش این کارگروه بر آن است که با گردهم آوردن صاحب‌نظران، بنیان‌گذاران مؤسسات و بنیادهای مختلف از سراسر آمریکا و دنیای اسلام، مسائل مورد توجه هر دو طرف را تعریف کرده و طراحی برنامه‌هایی عملی را آغاز کند که در آنها بر توسعه اجتماعی پایا و اصلاحات اجتماعی تأکید می‌شود. به منظور بهره‌برداری از اشتهای وافری که برای ایجاد تغییرات اجتماعی در میان جوانان آمریکا و دنیای اسلام دیده می‌شود، این کارگروه شبکه‌ای از رهبران ایجاد تغییر به وجود خواهد آورد که آنها را قادر می‌سازد تجربیات خود را به اشتراک گذاشته و شیوه‌های جدید همکاری را نیز بیازمایند. عمده تمرکز این کارگروه بر دو حیطه خواهد بود: بسط و توسعه شیوه‌های مختلفی که می‌توانند شمار هر چه بیشتری از افراد را در توسعه اجتماعی دخیل کنند و شناسایی ظرفیت‌های قابل تغییر برای ایجاد اصلاحات، کارآفرینی و تکنولوژی به منظور مواجهه با نابرابری‌ها و نیز حمایت از شبکه‌های اجتماعی موجود. حاصل کار این مجموعه به صورت پیشنهادهای خواهد بود که برای برنامه‌ها و ابتکار عمل‌های ویژه ارائه شده‌اند و نیز مجموعه‌ای از بهترین راهنمایی‌های عملی را در بر می‌گیرد که برای طراحی شبکه‌های اجتماعی قابل تغییر، پیش‌بینی شده‌اند.



پیتر منداویل (Peter Mandaville)؛ دانشگاه جرج ماسون
امام الحج طالب عبدالرشید (Imam Al-Hajj Talib Abdur-Rashid)؛ مسجد اخوان المسلمین
جنید احمد (Junaid Ahmad)؛ دانشکده علوم مدیریتی، دانشگاه لاهور
شریف محمد علی آیدارا (Cherif Mohamed Aly Aïdara)؛ مؤسسه بین المللی مزدهیر
آیسا الکوثر (Aysha Alkusayer)؛ بنیاد الولید بن تلال
شیخ جهاد برون (Shaykh Jihad Brown)؛ بنیاد تابه (Tabah Foundation)
آشا حاجی المی (Asha Hagi Elmi)؛ مؤسسه محافظت از زنان و کودکان سومالی
جنید جمشید (Junaid Jamshed)؛ فعال بشر دوست
عمر خالد (Amr Khaled)؛ بنیاد رایت استارت (Right Start Foundation)
امتیاز خان (Imtiaz Khan)؛ کنگره بشر دوستان مسلمان
کلثوم لسانی (Kalsoom Lakhani)؛ ML Resources Social Vision
کیم مک کوئی (Kim McQuay)؛ بنیاد آسیا
نیکو مل (Nicco Mele)؛ EchoDitto
فؤاد ناهید (Fuad Nahdi)؛ مؤسسه رادیکال میدل وی (Radical Middle Way)
رامی نشیشیبی (Rami Nashishibi)؛ شبکه عامل درون شهری مسلمان (Inner-City Muslim Action Network)
اقبال نور علی (Iqbal Noor Ali)؛ شبکه توسعه آقا خان (Aga Khan Development Network)
الک رس (Alec Ross)؛ وزارت خارجه آمریکا
انس سایدی (Anas Saidi)؛ Association for Pesantren and Community Development (P3M)
طالب سالهب (Taleb Salhab)؛ بنیاد برادران راکفلر (Rockefeller Brothers Fund)
کانوار اسکازب (Kunwar Schahzeb)؛ اقبال آکادمی (Iqbal Academy)
شیخ آیسا بنت فاله الثانی (Sheikha Aisha bint Faleh Al Thani)؛ شورای عالی تحصیلی قطر (Qatar Supreme Education Council)
داف ویلسون (Doug Wilson)؛ بنیاد هوارد جیلمن (Howard Gilman Foundation)



کارگروه

همکاری‌های قابل تبدیل در روابط ایالات متحده و جهان اسلام: توانمندسازی شبکه‌ها به منظور
توسعه جمعی و تغییر اجتماعی

گردآورنده: پیتر منداویل

دانشگاه جرج ماسون

«تا زمانی که میلیون‌ها کارگر و خانواده خود را جدایی از پدیده جهانی سازی و منقطع از بازار و دور از تکنولوژی مدرن می‌بینند، هرگز نمی‌توانیم اقتصادی پایدار و جهانی بنا کنیم. ما نمی‌توانیم برای متوقف ساختن منازعات و مقابله با شبکه‌های جنایت‌کار جهانی، به شرکایی اتکا کنیم که سرسختانه می‌کوشند ثبات و امنیت را در جوامع خود برقرار سازند. و تا زمانی که گرسنگی و فقر، حکمرانی صحیح و حکومت قانون را که به منظور پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر حیاتی هستند، در معرض تهدید قرار می‌دهند، نمی‌توانیم این دو را محقق سازیم.»

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه،

«توسعه در قرن بیست و یکم»

واشنگتن دی‌سی، ۶ ژانویه ۲۰۱۰



اکنون نزدیک به یک دهه است که مسائل مربوط به تروریسم، امنیت و منازعه، بر روابط ایالات متحده و جهان اسلام، حاکم شده است. در یک سطح این گفتمان منعکس کننده واقعات ژئوپلیتیکی مشخصی چون حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جنگ در عراق و افغانستان (که اکنون به بخش‌هایی از پاکستان نیز کشیده شده است)، منازعات فعلی در جهان عرب و چالش ایران، می‌باشد. در راستا و بلکه فراتر از این سطح، چالش‌های اینچنینی در حوزه سیاست خارجی، مبحث ارتباط اسلام و غرب را تجدید کردند. این مبحث مجموعاً در قالب گزاره‌هایی متناقض و متضاد شکل گرفت که عباراتی چون تمدن‌های رقیب و ناسازگاری اسلام با سکولاریسم و دموکراسی، بیشترین کاربرد را در این قالب داشت. از آنجا که بسیاری از امریکایی‌ها و مسلمانان یا اطلاعاتی نادرست از یکدیگر دارند یا اساساً تصوراتی غلط از یکدیگر در سر می‌پروراندند، چنین مباحثی به خصومت‌ها شدت می‌بخشند و جو ترس و هراس را که در حال حاضر بر هر دو طرف حاکم است، تشدید می‌کنند.

در سال‌های اخیر اقدامات بسیاری به منظور پوشاندن این گپ ترتیب داده شده است؛ از نشست‌های تخصصی - مانند نشست ایالات متحده و جهان اسلام در بروکینگز - گرفته تا دیپلماسی‌های عمومی متعدد و گفتگوهای بین-مذهبی. به هر حال معلوم شد که چنین اقداماتی لازم و ضروری است، با این قید که بسیاری از مسلمانان همواره از این امر ناراضی هستند که به نظر می‌رسد آمریکا به قیمت قربانی ساختن مسلمانان در جنگ و سرکوب، تنها به مسئله تروریسم اهمیت می‌دهد و می‌کوشد امنیت خود را تأمین کند. حتی در مواردی که آمریکا در برابر مسلمانان متعهد شده، مانند مسئله فلسطین، ادعا می‌شود که این کشور تلاش اندکی در جهت تحقق این تعهد صورت داده است. امریکایی‌ها نیز به نوبه خود از آنچه که عدم تمایل رهبران عرب به محکوم کردن تروریسم و انجام اقدامات پیشگیرانه در برابر آن می‌نامند، اظهار ناامیدی می‌کنند. حتی در جایی که ابتکار عمل‌ها از طریق گفتمان‌های میان فرهنگی و ارتباطات استراتژیک رضایت بخش به نظر می‌رسد، در نهایت ثمر بخشی آنها منوط به منازعات نظامی دامنه‌دار و [چگونگی] شرایط سیاسی و اقتصادی سراسر جهان اسلام، می‌شود.

از این رو، بسیاری از مردم در جهان اسلام انتخاب باراک اوباما در انتخابات سال ۲۰۰۸ را فرصتی بسیار مغتنم می‌دانند. رئیس‌جمهور جدید که با تأکید بر دیپلماسی و تعهد جهانی به عنوان اولویت کاری سیاست خارجی آمریکا بر سر کار آمد، در سخنرانی خود در آنکارا در آوریل ۲۰۰۹ اعلام کرد که «رابطه آمریکا با جهان اسلام نه می‌تواند و نه هرگز بر مبنای رویارویی با القاعده بنا



خواهد شد.»^۱ دو ماه بعد در یک سخنرانی مهم که در دانشگاه الازهر در قاهره صورت گرفت،

اوباما اعلام کرد در پی ایجاد:

«آغازی دوباره میان آمریکا و مسلمانان سراسر دنیا است؛ آغازی بر اساس احترام متقابل؛

و بر اساس این حقیقت که آمریکا و اسلام منحصر از یک دیگر نبوده و لازم نیست که در

تقابل با یکدیگر به سر برند. بلکه همپوشانی داشته و می‌توانند اصول مشترک خود را به

اشتراک بگذارند - اصول مربوط به عدالت و پیشرفت؛ تساهل و صاحب‌شان بود تمام نوع

بشر.»^۲

مباحثی که اوباما در سخنرانی خود در قاهره مطرح کرد به خوبی نشان داد که مسائل امنیتی همچنان

برای سیاست‌گذاران آمریکا در اولویت قرار دارند. تروریسم، منازعه اعراب و اسرائیل و تسلیحات

هسته‌ای در صدر این مسائل قرار گرفته و در ادامه مسائل مربوط به دموکراسی، آزادی مذهبی و

حقوق زنان قرار می‌گیرند. رئیس‌جمهور اوباما در پایان اظهارات خود به موضوع توسعه اقتصادی

و فرصت [موجود] پرداخت. با پذیرفتن اینکه جهانی سازی هم برنده و هم بازنده خواهد داشت و

اعلام برنامه‌های جدید در ارتباط با کارآفرینی و [توسعه] علوم/تکنولوژی، اوباما اظهار داشت که

تلاش در جهت پیشرفت و توسعه اقتصادی، ضرورتاً در تقابل با مذهب و سنت نیست. در ماه‌های

پس از این سخنرانی، منتقدین این مسئله را مطرح ساختند که آیا دولت اوباما برای تحقق بخشیدن به

انتظارات فراوانی که در قاهره ایجاد کردند، اقدامات لازم را ترتیب داده‌اند یا خیر.^۳ با اینکه برای

اعلام پیشرفت برنامه‌ای که تنها یک سال از عمر آن می‌گذرد بسیار زود است، باز هم به نظر

نمی‌رسد که در آینده چنین اعلامی صورت گیرد.

مطلب پیش رو با عنوان «همکاری‌های قابل تبدیل در روابط ایالات متحده و جهان اسلام:

توانمندسازی شبکه‌ها به منظور توسعه جمعی و تغییر اجتماعی»، بر گرفته از گفتگوها و مباحثی

است که در نشست ایالات متحده و جهان اسلام در سال ۲۰۱۰ در دوحه مطرح شد و در واقع مکمل

سخنرانی رئیس‌جمهور اوباما در قاهره می‌باشد و بر توسعه اقتصادی و انسانی تأکید دارد. این

¹. Barack Obama, "Remarks by the President to the Turkish Parliament," The White House, Office of the Press Secretary, Ankara, Turkey, April 6, 2009, available at <<http://www.whitehouse.gov/the-press-office/remarks-president-obama-turkish-parliament>>.

². Barack Obama, "Remarks by the President on a New Beginning," The White House, Office of the Press Secretary, Cairo, Egypt, June 4, 2009, available at <<http://www.whitehouse.gov/the-press-office/remarks-president-cairo-university-6-04-09>>.

³. See e.g. Andrew Albertson, "Losing Cairo?" *Foreign Policy*, December 2009.

در حالی که دولت اوباما پس از اظهارات وی در قاهره گام‌های جدی در این راستا برداشت، برای مثال اولین نماینده ویژه جوامع اسلامی را در وزارت خارجه منصوب کرد و نیز شماری از برنامه‌های اقتصادی و حکومتی را با موفقیت پیش برد (مانند نشست تخصصی کارآفرینی ۲۰۱۰ در جامعه مدنی وزارت خارجه، پروژه شماره ۲)، منتقدین بر این باورند که تأثیر باقوه این برنامه‌ها بسیار ضعیف است.



Mashreghnews.ir

مطلب بر اساس این فرضیه شکل گرفت است که معیشت، فرصت و تغییر اجتماعی مثبت، نه تنها مؤثرترین راه ممکن برای تحصیل پیشرفت در دیگر مسائلی است که در قاهره مطرح شد - از جمله امنیت و دموکراسی - بلکه بهترین تعهدی است که در قبال صیانت از ارزش‌های مشترک مذکور می‌توان داد؛ ارزش‌هایی که اوپاما دیدگاه خود را در مورد روابط ایالات متحده و جهان اسلام حول آنها شکل داد: عدالت، پیشرفت، تساهل و شأنیت.



چرا بر توسعه جمعی و تغییر اجتماعی تأکید می‌شود؟

بر اساس نظر سنجی جهانی موسسه پیو گلوبال ایتینود پروجکت (Pew Global Attitudes Project) در سال ۲۰۰۷، شمار کثیری از مردم کشورها مهم اسلامی، مشکلات اقتصادی را مهمترین نگرانی‌های شخصی خود اعلام کردند. ۱ از نظر پاسخ‌دهندگان در کشورهایی که اکثریت جمعیت آنها را مسلمان تشکیل می‌دهند و تحت تأثیر خشونت‌های اخیر یا درآمدهای حاصل از نفت جدای از گردونه مذکور هستند، دو مورد فاصله فقیر/غنی و بیماری‌ها/ایدز، مهمترین خطراتی هستند که جهان امروز با آنها مواجه است. گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، کشورهایی با اکثریت مسلمان - و تمام کشورهای پر جمعیت مسلمان - را در دسته «توسعه انسانی پایین» قرار داد. این آمار و ارقام حاکی از آن است که در برقراری ارتباط میان ایالات متحده و جهان اسلام، کاملاً ضروری است که رویکردی توسعه محور اتخاذ شود. [ایجاد] فرصت‌های اجتماعی و رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوبی، ضروری می‌نماید. نمودارهای جمعیت شناختی نیز چندان خوش خبر نبوده و نشانگر جمعیت کثیری از جوانان هستند که سراسر این مناطق را پوشانده‌اند - که بخش قابل توجهی از ایشان نیز بی‌کار می‌باشند. بر اساس فهرستی که مؤسسه کیارنی فورن پالیسی (Kearney/Foreign Policy) بر اساسی معیار جهانی سازی تهیه کرده است، بیشتر کشورهای پر جمعیت مسلمان تقریباً در انتهای این جدول قرار می‌گیرند، که این بدان معناست که این کشورها به میزان بسیار اندکی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی جهان ادغام شده‌اند.

با این حال نمی‌توان گفت که چالش‌های پیش روی توسعه در جهان اسلام از دید آمریکا پنهان مانده است. مناطق مسلمان برای دهه‌های متمادی از سیل عظیم کمک‌های خارجی آمریکا برخوردار شده‌اند به مصر، که در میان دیگر کشورها، بیشترین کمک را از آمریکا دریافت کرده است. با این حال بسیاری از چالش‌های اقتصادی پیش روی کشورهای پر جمعیت مسلمان، صرفاً با کمک‌های خارجی برطرف نمی‌شوند - به هر حال بسیاری از این کشورها با محدودیت‌های معمول حاصل از شفاف سازی و مسئولیت پذیری مواجهند که کمک‌های خارجی برای توسعه را عقیم می‌گذارند.

¹ See Pew Global Attitudes Project, *Global Opinion Trends 2002-2007*, Washington DC: Pew Research Center, 2007.

درصد افرادی که مشکلات اقتصادی/مالی را مهمترین مسئله پیش روی خود عنوان کردند از این قرار است: مراکش ۷۳٪؛ ترکیه ۷۰٪؛ لبنان ۶۰٪؛ اردن ۶۸٪؛ مصر ۶۷٪؛ اندونزی ۹۰٪؛ بنگلادش ۸۹٪؛ مالزی ۷۵٪؛ پاکستان ۶۳٪.



برنامه‌های جدید و هزینه‌های بسیاری که آمریکا در سال‌های اخیر صرف توسعه در جهان اسلام کرده است، از نگاه بیشتر مردم مسلمان به منظور از بین بردن لکه ننگی است که دامان آمریکا را آلوده کرده و از نظر آنها مبارزه با خشونت افراطی و نه ایجاد امکان زندگی و معیشت، مهمترین انگیزش آمریکا در این راستا می‌باشد. حتی اگر بخش عمومی را کنار بگذاریم، خواهیم دید که سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم آمریکا در بخش‌های غیر از انرژی، بسیار اندک است. از این رو جای تعجب نیست که گروه پیشگام پروژه روابط ایالات متحده و جهان اسلام (Leadership Group of the U.S.-Muslim Engagement Project) در گزارش خود با عنوان «تغییر مسیر: مسیری جدید برای روابط ایالات متحده با جهان اسلام» بر ضرورت تسریع ایجاد اشتغال در کشورهای مسلمان به عنوان یکی از چهار پیشنهاد اصلی خود، تأکید کند.^۱

در حالی که ضرورت اشتغال زایی گسترده و بالا بردن سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع مادر کاملاً مبرهن است، این مطلب - و کارگروهی که این مطلب از آن برگرفته شده است - به بررسی این مسئله خواهد پرداخت که چگونه یک استراتژی متفاوت می‌تواند در مواجهه با دیرپاترین مشکلات اجتماعی و مربوط به توسعه در جهان اسلام، بهتر عمل کند. رویکردی که در اینجا اتخاذ شده ممکن است منطقاً «عامیانه» یا «ساده‌انگارانه» عنوان شود، اما به هیچ وجه در این ایده تعهد نشده است که فقر و دیگر مشکلات اجتماعی، همگی صرفاً در سایه رشد اقتصادی قابل حل هستند، و استراتژی رشد در اینجا توجه بسیار اندکی به «انتهای هرم» دارد.^۲ بلکه تأکید در اینجا بر رشد و توسعه راه‌های ابتکاری - و پیش از هر چیز تعاونی- برای برطرف کردن مشکلاتی است که توسعه انسانی را کند کرده‌اند. بهترین رویکرد ممکن نسبت به برخی از چالش‌های مورد بحث، رویکرد کارآفرینی است. برای دیگر مسائل و زمینه‌ها، راه‌های غیر انتفاعی مناسب‌تر خواهند بود. با توجه به اینکه نشست ایالات متحده و جهان اسلام بر روابط میان آمریکا و جهان اسلام تمرکز کرده است، هدف اصلی ما مشخص کردن مواضع مشترک اصلاح‌طلبان، فعالان اجتماعی و بشر دوستان فعال در آمریکا و جهان اسلام می‌باشد. ما عمیقاً بر این باوریم که بهترین راه برای پیشرفت روابط ایالات متحده با دنیای اسلام، در همکاری متقابل نهفته است؛ همکاری که به یافتن راه‌حلهایی ملموس و عملی برای حل مشکلات مشترک می‌انجامد.

¹ . *Changing Course: A New Direction for U.S. Relations with the Muslim World*. Report of the Leadership Group on U.S.-Muslim Engagement, U.S.-Muslim Engagement Project, 2008.

² . For an example of this line of argument, see C.K. Prahalad, *The Fortune at the Bottom of the Pyramid*, Upper Saddle River, NJ: Wharton School Publishing, 2004.



در بسیاری از کشورهایی که اکثریت جمعیت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، دولت مرکزی - منبع سنتی خدمات اساسی و محل تعیین دیپلماسی لازم برای حل مشکلات عمده کشور - یا ناتوان از فراهم آوردن رهبری و منابع لازم برای ایجاد تغییرات مثبت است یا تمایلی به انجام چنین اقدامی ندارد. در چنین اوضاعی، بر فعالان مدنی‌اندیش (civic-minded)، رهبران فکری و کارآفرینان فرض است که به منظور فراهم آوردن راه‌حلهایی جدید برای حل مشکلات جامعه، ابتکار عمل را در دست گیرند. بنابراین لازم است تمرکز ما بر آن دسته از ابتکار عمل‌ها باشد که به خلق ارزش‌های اجتماعی کمک می‌کنند. این مفهوم اخیر، که در کانون جنبش تغییر اجتماعی قرار می‌گیرد، اشاره دارد به ایده خلق «منفعت یا کاهش هزینه‌ها برای اجتماع - از طریق تلاش‌هایی که به منظور برطرف ساختن نیازها و مشکلات اجتماعی صورت می‌گیرد - به نحوی که پا را فراتر از دست‌آوردهای شخصی و منافع کلی حاصل از فعالیت بازار می‌نهد.»^۱ در حوزه کارآفرینی اجتماعی، یعنی جایی که این مفهوم کاملاً محوری است، ارزش اجتماعی بیانگر آن دسته از تأثیرات مثبتی است که از دل برخی انواع مشخص از فعالیت‌های کارآفرینی بیرون می‌آیند و به هیچ وجه در معاملات تجاری درونی نشده یا در گذارهای مالی احساس نمی‌شوند. چند نمونه کوتاه این نکته را به خوبی روشن می‌کنند: در آخرین سال‌های دهه ۱۹۷۰ دکتر گوینداپا ونکاتاسوامی (Govindappa Venkataswamy) روشی را ابداع کرد که عمل جراحی تجدید کننده بینایی چشم را ممکن می‌ساخت و آن را در ابعاد گسترده و با هزینه بسیار اندک عملی ساخت. با اینکه بیماران وی برای بهره‌مندی از این روش باید مبلغی را پرداخت می‌کردند، اما ارزش اجتماعی حاصله از سیستم رایگان مراقبت‌های چشمی وی آنها را از پرداخت این وجه معاف می‌داشت و این همان نکته‌ای است که در اینجا مد نظر داریم - این عمل به صدها هزار نفر کمک کرد بینایی خود را بازیابند و به چرخه تولید بازگردند. در کنیا، Ecotact به کمک بنیاد اکیومن (Acumen Fund)، سیستم فاضلاب کم هزینه و مطمئن برای ساکنان فقیر حومه شهر ایجاد کرد و از این طریق به میزان قابل توجهی از شیوع بیماری‌های ناشی از آب آلوده، کاست. یا مثال SEKEM را در نظر بگیرید که شبکه‌ای از شرکت‌های کشاورزی بیوداینامیک و یک بنیاد توسعه اجتماعی در مصر در آن گرد هم آمدند. با اینکه اقدامات پیشگامانه خانواده آبولیث (Abouleish) در زمینه کشاورزی در مزارع خارج از قاهره منجر به شکل‌گیری حجم انبوهی از فعالیت‌های خیرخواهانه شد، SEKEM به دلیل

¹ . James A. Phills, Jr., Kriss Deiglemer & Dale T. Miller, "Rediscovering Social Innovation," *Stanford Social Innovation Review*, Fall 2008, pp. 34-43; for a discussion of the concept of social value, see Philip Auerswald, "Creating Social Value," *Stanford Social Innovation Review*, Spring 2009, pp. 51-55.



موفقیت‌های خود در کشاورزی ارگانیک مشهور شد؛ این شبکه محصول بسیار خوبی در سرزمین‌های بسیار خشک حاصل آورد و از این طریق دولت مصر را به انجام اصلاحاتی در زمینه استفاده از آفت‌کش‌ها و نظارت‌ها و ادار ساخت - و از این طریق راه را برای توسعه پایدار کشاورزی به عنوان یک بخش اقتصادی در مصر و دیگر مناطق خشک باز کرد.

با اینکه موارد مذکور نمونه‌هایی از کارآفرینی‌های اجتماعی بودند - که تلاش آنها ایجاد ارزش اجتماعی از طریق فعالیت‌های منفعت‌زا بود - به همین میزان بایستی نسبت به توسعه همکاری‌ها میان سازمان‌های غیر انتفاعی و سازمان‌های سنتی‌تری چون خیریه‌ها، اهمیت قائل شویم. آخرین موردی که در این باره می‌توانیم ذکر کنیم همراهی بیش از پیش مؤسسات خیریه اسلامی با تلاش‌هایی است که گروه‌های بشردوست، دینی و غیره برای ریشه کن کردن مالاریا، ترتیب داده‌اند. گرسنگی، بی‌خانمانی و بیماری‌های مسری، از جمله مشکلاتی هستند که تنها از طریق سرازیر شدن فوری کمک‌های بشر دوستانه بر طرف می‌شوند، به خصوص در جایی که بلایای طبیعی رخ داده است یا عده‌ای از مردم در اثر منازعه با این مشکلات دست به گریبان شده‌اند. نه کمک‌هایی که به منظور توسعه صورت می‌گیرند و نه کارآفرینی اجتماعی، هیچ یک نوشدارو و علاج عام این مشکلات نیستند. بلکه هر دو این رویکردها، سهم خود را ایفا کرده و جایگاه مشخص خود را دارند. همانطور که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی اخیر خود در مورد توسعه اظهار داشت، «کمک از پی‌نیاز و سرمایه‌گذاری از پی فرصت، صورت می‌پذیرند.»^۱ جایی که ارائه کمک از منظر انسان دوستی کاملاً مقتضی بوده و می‌تواند تغییرات نسبتاً سریعا را در گستره وسیع ایجاد کند، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند در بلند مدت، پتانسیل بسیار بیشتری برای ایجاد تغییرات ساختاری داشته باشند - و در برخی موارد می‌تواند ریشه برخی از مشکلات را بخشکاند. مشکلاتی که به صورت سنتی به کمک راه حل‌های کمک محور بر طرف می‌شد.

بحث گسترده‌تری که در اینجا در مد نظر داریم بالا بردن نقش فعالیت‌های مدنی و ساخت زیرساخت‌های اجتماعی است که می‌تواند تلاش در جهت همکاری و تعاون هر چه بیشتر گروه‌های مردم نهاد و شهروند محور در جوامع امریکایی و مسلمان را تسهیل کند. تعهد به عدالت اجتماعی و تعقیب راه حل‌های منصفانه برای حل مشکلات جهانی، در دستور کار بسیاری از سازمان‌ها قرار گرفته است، خواه این سازمان‌ها اجتماعات توسعه محور دینی باشند یا شبکه‌های بین‌المللی حمایت از حقوق بشر یا اتحادیه‌های اصناف مختلف کارگری. مهمترین نکته این است که جامعه مدنی می‌بایست

¹. Hillary Rodham Clinton, "Remarks on Development in the 21st Century," January 6, 2010, available at <<http://www.state.gov/secretary/rm/2010/01/134838.htm>>.



نیروی پیشبرنده تمام حرکت‌هایی باشند که در اینجا ذکر کردیم. با اینکه نقش دولت در تسهیل اصلاحات اجتماعی انکار ناپذیر است - برای مثال از طریق همکاری‌های عمومی - خصوصی - ما بر این باوریم که بنا نهادن همکاری‌های قابل تبدیل میان آمریکا و جهان اسلام، باید بر اساس اعتماد و منافع مشترک صورت پذیرد که این امر افراد و سازمان‌ها را به یکدیگر پیوند خواهد زد. اقدامات اخیر دولت آمریکا متوجه این واقعیت بوده است و دیدگاه‌های مشابهی را در برنامه‌هایی زیر می‌توان یافت: پروژه شماره ۲ جامعه مدنی در وزارت خارجه، نشست کارآفرینی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۰ در واشنگتن دی‌سی و فعالیت‌های دفتر نمایندگی ویژه جوامع مسلمان [در وزارت خارجه] در جهت ایجاد شبکه‌ای از رهبران تغییرات اجتماعی در جوامع امریکایی و مسلمان. کلینتون، وزیر امور خارجه، در سخنرانی افتتاحیه پروژه شماره دو جامعه مدنی، اعلام کرد که تلاش گروه‌های مختلف جامعه مدنی برای ایجاد اصلاحات اجتماعی و رشد و شکوفایی، «نهادهای سیاسی را به سمت پاسخگویی هرچه بیشتر سوق می‌دهد.»^۱ کارشناسان اصلاحات اجتماعی نیز بر این ادعا صحه می‌گذارند. اقبال قادر، بنیانگذار مرکز توسعه و کارآفرینی لگاتوم در ام‌آی‌تی (Legatum Center for Development and Entrepreneurship at MIT)، مدعی است که رویکرد سنتی نسبت به کمک خارجی، تنها وضعیت موجود را که ناشی از اقدامات نامناسب دولتی است، تقویت می‌کند. از نظر او ماهیت مختل‌کننده اقدامات کارآفرینی این پتانسیل را دارد که در طول زمان دولت را وادار به پاسخگویی و شفاف‌سازی هر چه بیشتر کند.^۲

جدای از تأکید بر راه‌حل‌های جامعه مدنی و اجتماع محور، مهمترین ویژگی این اقدام، ماهیت تعاونی بودن آن است. لازم است به سمت رویکردی حرکت کنیم که به موجب آن ایجاد رابطه با جهان اسلام یعنی به کار گرفتن سرمایه عمومی آمریکا در جهت تحقق بخشیدن به اهداف سیاست خارجی آمریکا. به عبارت دیگر، همانطور که استیفن گرند (Stephen Grand) و کریستین لرد (Kristin Lord) در مقاله خود در مورد بازسازی روابط آمریکا و جهان اسلام می‌گویند، «لازم است کشور ما در جهت ایجاد یک شبکه جهانی ارتباطی و همکاری پرسنلی میان امریکایی‌ها و مسلمانان پیش رود.»^۳ هدی عمر (Hady Amr) در اشاره به چیزی که خود فرصت پیش آمده در

¹. Hillary Rodham Clinton, "Remarks at the Forum for the Future," Marrakech, Morocco, November 3, 2009.

². Iqbal Z. Quadir, "Foreign Aid and Bad Government: Helping entrepreneurs is the right approach." *Wall Street Journal*, January 30, 2009, p. A11.

³. Stephen R. Grand and Kristin M. Lord, "To Rebuild U.S.-Muslim World Relations, Obama Is Not Enough," *Huffington Post*, March 26, 2009.



دوره اوباما می‌نامد، نکته مشابهی را ذکر می‌کند. او می‌نویسد «پیوستگی کلید [موفقیت] است» و در ادامه تأکید می‌کند که لازم است همه اقدامات «به صورت مشترک تأمین مالی شود، به صورت مشترک مدیریت شود و به صورت مشترک اجرایی شود» تا از این طریق امکان توسعه همکاری‌های پایدار تضمین شود که این نیز به نوبه خود حیات پروژه‌های فردی را محقق می‌سازد.^۱ بنابراین هدف ما ارائه چارچوبی اولیه است که در قالب آن همکاری‌هایی شکل بگیرد که می‌تواند روزی به یک زیر ساخت پایا برای همکاری تبدیل شود؛ همکاری که بر اساس اهداف مشترک و تمایل دوطرفه میان فعالان، مؤسسان بنیادهای عمومی و انسان دوستان امریکایی و مسلمان شکل می‌گیرد و در جهت تسهیل اصلاحات مثبت اجتماعی پیش می‌رود.

[در این میان] نقش مذهب چیست؟

یکی از مواضعی که ایجاد تعادل لازم در آن بسیار اهمیت دارد، هنگامی است که به نقش مذهب در ایجاد روابط قابل تبدیل میان آمریکا و جهان اسلام می‌اندیشیم. اغلب اوقات یکی از این دو شیوه افراطی را در پیش می‌گیریم: تصور اینکه اساساً جهان مسلمانان را تنها از طریق اسلام می‌توان تعریف کرد و تنها با رجوع به اسلام می‌توان آن را شناخت یا حذف کامل مذهب از این معادله و تمرکز صرف بر چالش‌های تکنیکی. البته هیچ یک از این دو رویکرد مناسب نیستند. اگر بخواهیم تنها از دریچه اسلام به جهان مسلمانان بنگریم، از واقعیتی غافل می‌مانیم که کاملاً از اعتقادات مذهبی ایشان جداست و آن اینکه مسلمانان تحت تأثیر عوامل ورودی چون درآمد سرانه، آمار و ارقام بیکاری، میزان مرگ و میر کودکان و سطوح تحصیلات ابتدایی دختران، قرار دارند. با این حال در جانب دیگر، هنگامی که تلاش می‌کنیم بهترین راه ممکن را برای از میان بردن بی‌عدالتی‌های اجتماعی اقتصادی یا ترفیع سلامت عمومی بیابیم، نباید این واقعیت را فراموش کنیم که اعتقاد مردم عنصر اصلی تصور ایشان از عدالت اجتماعی و جامعه سعادت‌مند می‌باشد.

بنابراین در اینجا از رویکردی حمایت می‌کنیم که مذهب و اصلاحات اجتماعی را دو جهان مجزای از هم نمی‌انگارد. ما معتقدیم این دو می‌توانند و باید همزیستی سودمندان‌های داشته باشند. گروه‌ها و مؤسسات مذهبی می‌توانند مشارکتی تعیین کننده در حرکت‌های توسعه‌ای جوامع محلی داشته باشند. همچنین، اگر دقیق‌تر بنگریم می‌بینیم اصولی که رویکرد اجتماعی بسیاری از نهادهای توسعه را تعریف می‌کنند، با اصول اخلاقی مانند صلح، مبالات و عدالت که جهان‌بینی‌ها مذهبی را تعریف

¹. Hady Amr, "The Opportunity of the Obama Era: Can Civil Society Help Bridge Divides between the United States and a Diverse Muslim World?" Brookings Doha Center Analysis Papers, Number 1, November 2009.



می‌کنند، کاملاً هماهنگ هستند. در واقع در مواضع بسیاری مذهب و توسعه اجتماعی آنقدر به هم نزدیک هستند که نمی‌توانیم این دو را از یکدیگر تفکیک کنیم. برای مثال مؤسسه (فلان) ۱ در اندونزی، با درک اهمیت نقش مدارس سنتی شبانه روزی اسلامی (pondok pesantren)، از این فرصت برای ارتقای سطح همکاری اقتصادی محلی در بسیاری از بخش‌های جاوا بهره‌برداری کرد. در مورد SEKEM، کشاورزی بیودینامیک پیشرو در مصر که در بالا ذکر شد، به نظر می‌رسد مذهب هیچ ارتباطی با اقدامات این سازمان نداشته است. اما اگر بنیانگذار این سازمان، یعنی ابراهیم ابولیت (Ibrahim Abouleish) را بشناسید و از تأثیر جهان‌بینی اسلامی در شکل‌گیری عقیده توسعه پایدار مصر در او با خبر باشید - جدای از همکاری او با دانشمندان مذهبی (علما) در ایجاد انجمن‌های حمایتی - نقش انکارناپذیر مذهب را در اقدام مذکور مشاهده خواهید کرد. بنابراین زمانی که به رویکردی جدید برای ایجاد همکاری‌های قابل تبدیل میان آمریکا و جهان اسلام می‌اندیشیم، رویکردی را ترجیح می‌دهیم که رویکرد طیف وسیعی از صاحب‌نظران - عده‌ای کاملاً مذهبی، شماری تا اندازه‌ای مذهبی و برخی کاملاً غیر مذهبی - را ترکیب کرده است؛ همه آن کسانی که به منظور برطرف ساختن چالش‌هایی که از نظر همه آنها پیش روی توسعه انسانی قرار گرفته است، دست به دست هم داده‌اند.

به کار گرفتن عبارت «جهان اسلام» به منزله خطر بالقوای است که در حمایت از چنین همکاری با آن مواجهیم. این عبارت یعنی یک و نیم میلیارد انسان که در سراسر پنج قاره زندگی می‌کنند و شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بسیار متفاوتی دارند؛ استناد به این مفهوم یعنی به کار گرفتن برجست مذهب برای اشاره به همه این مردم. اگر منظور از این مفهوم یک اجتماع یکپارچه جهانی است که هویت‌ها و وابستگی‌های بنیادی آن از مرزهای ملی آن عبور کرده است، باید گفت که [این] دنیای اسلام وجود خارجی ندارد. شاید از همین جهت بود که رئیس جمهور اوباما در سخنرانی خود در قاهره، با اینکه موضوع جهان اسلام بود، حتی یکبار از این عبارت استفاده نکرد. نگرانی که در اینجا وجود دارد این است که آمریکا با برگزیدن و شناسایی «مسلمانان» به عنوان هم‌صحبت و شریک خود این پیام را القا می‌کند که این گروه مذهبی خاص به نوعی استثنا بوده و شایسته یک استراتژی جهانی می‌باشد، در حالی که دیگر اجتماعات مذهبی چنین رویکردی را نمی‌طلبند. با اینکه از این امر نیز گریزی نیست که بسیاری از کشورهایی که آمریکا در آنها با سخت‌ترین چالش‌های استراتژیکی و امنیتی مواجه است، همین کشورهایی با اکثریت مسلمان هستند، با این حال لازم است

¹. Society for Pesantren and Community Development (P3M)



بدانیم موضوع مورد بحث ما در مذهب پس‌زمینه آن ادبیاتی که بنابر آن کسانی را که به دنبال داد و ستد با آنها هستیم تعریف می‌کنیم، چیست و این موضوع چه محدودیت‌هایی - و نیز چه فرصتهایی - برای ما ایجاد می‌کند.

ایجاد همکاری‌های قابل تبدیل

با بهره گرفتن از چندین دهه تجربه در زمینه توسعه اجتماعات محلی در میان مناطق و فرهنگ‌های مختلف، جمع متخصصی که در کارگروه ما در دوحه گرد هم آمدند، چشم اندازی روشن و مجموعه‌ای از اصول لازم برای ایجاد همکاری‌های قابل تبدیل فراهم آوردند تا از این طریق روابط ایالات متحده و دنیای اسلام را ترفیع بخشند. برخی از این موارد استراتژی‌های جامع و فراگیری هستند که تقریباً در هر شرایطی می‌توان از آنها بهره گرفت، در حالی که باقی موارد جزئی‌تر شده و پیشنهاداتی را ارائه می‌کنند که برای ایجاد یک زیر ساخت جهانی ضروری هستند و این زیر ساخت به نوبه خود برای ممکن ساختن تغییر اجتماعی جمعی، حائز اهمیت است.

۱. ایجاد روابط بر مبنای منافع یا نگرانی‌های مشترک

برنامه‌ها یا فعالیت‌هایی که دست یافتن به «روابط بهبود یافته» را به عنوان یک هدف جستجو می‌کنند، به ندرت با موفقیت همراه می‌شوند. در حالیکه، تعریف و ایجاد همکاری‌ها حول محور مشکلات و اهداف مشترک، مبنای مناسبی برای گسترش روابط پایدار خلق می‌شود. به عبارت عملی، بر اساس این شیوه لازم است نشست‌های ارتباط محور (برای مثال گفتگوها و کنفرانس‌های بین فرهنگی) برگزار شده و اقدامات یا برنامه‌های فعالیت محوری صورت پذیرد که مستلزم همکاری نزدیک در پروژه‌هایی باشد که اهداف و نتایج ملموس به همراه دارند. با مشخص ساختن یک مشکل (برای مثال عدم دسترسی به آب سالم) یا هدف مشترک (ده درصد سود برای سرمایه‌گذاری)، اساس برقراری یک ارتباط بنا نهاده می‌شود و این امکان را فراهم می‌آورد به جایی آنکه به اختلافات فرهنگی پرداخته شود، بر آنچه که می‌توان با یکدیگر به دست آورد متمرکز شد.

عمرو خالد (Amr Khaled)، یکی از شخصیت‌های تلویزیونی شناخته شده و فعالان خیر، نمونه‌ای جالب توجه می‌باشد که این رویکرد را عملاً تجربه کرده است. برای مثال در سال ۲۰۰۷، وی با رهبری یک جریان رسانه‌ای تلاش کردن آگاهی مردم در مورد تأثیرات مصرف مواد مخدر و امکان‌رهایی از این مشکل را بالا ببرد. یکی از بخش‌های این جریان مربوط به تأسیس مراکز رهایی بخشی در کلیساهای مصر می‌شد که افراد بسیاری اعم از اهالی کلیسا و داوطلبان این پروژه



در این مراکز گرد هم می‌آمدند - که بسیاری از ایشان مسلمان بودند. این اقدام فضایی را برای گفتگوی بین فرهنگی فراهم آورد؛ اما باید توجه داشت که اساس این حرکت حول یک حرکت جمعی برای حل یک مشکل اجتماعی شکل گرفت.^۱

۲. قدرت platforms

بسیاری از برنامه‌هایی که برای توسعه جمعی یا ایجاد اصلاحات اجتماعی ترتیب داده می‌شوند، بر گرفته از مدلی هستند که در آن یک سازمان واحد یا جمعی از گروه‌ها مسئولیت تعریف مشکلات یا نیازها، طراحی راه‌حل‌ها و در نهایت اجرایی کردن آنها را بر عهده می‌گیرد. با این حال، در سال‌های اخیر رویکرد متفاوتی - تحت تأثیر رسانه‌های اجتماعی و تکنولوژی اطلاعات - نمایان شده است. در اینجا چندان تأکیدی بر شناسایی مشکلات و ارائه راه‌حل نیست و بیشتر تلاش می‌شود در اشخاص و اجتماعات این توانمندی را ایجاد کنند که اولویت‌های خود را شناسایی کرده و استراتژی مورد نظر خود را برگزینند و سپس آنها را با شریک خود و کسی که ظرفیت کمک کردن به ایشان را دارد، مطابقت دهند - حال این کمک می‌تواند در قالب پشتیبانی مالی یا تکنیکی باشد. در نتیجه «عرصه‌ای» در مقابل شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد که به ایشان اجازه می‌دهد با شریک مربوط به خود گفتگو و همکاری کنند. این رویکرد عناصر پدیده‌ای را در بر می‌گیرد که معمولاً با عنوان «منبع یابی جمعیت» شناخته می‌شود و از این پدیده در جهت اهداف توسعه اجتماعی بهره می‌گیرد. این رویکرد از خود جوامع می‌خواهد نیازهای خود، انواع راه‌حلهایی که خود مناسب می‌دانند و انواع شرکایی که همکاری با ایشان را می‌پسندند، بازگو و تعریف کنند.

یکی از شناخته شده‌ترین نمونه‌هایی که برای رویکرد platform محور می‌توان ذکر کرد سرویس میکرو وام دهی (microloan) نظیر به نظیر می‌باشد که کیوا (Kiva (www.kiva.org)) نام دارد. در این عرصه اینترنتی افراد کارآفرین از سراسر دنیا ایده‌های خود را ارائه و برای عملی ساختن آنها در سایت کیوا درخواست وام می‌کنند و افراد وام‌دهنده نیز از ایده مورد نظر خود حمایت می‌کنند. تمام جفت‌یابی‌ها و فعالیت‌های تجاری از طریق اعمال وساطت کیوا صورت می‌گیرد. عمرو خالد همچنین یکی از پیشگامان در به کارگیری تکنولوژی‌های platform برای تشویق و حمایت از تغییرات اجتماعی در خاورمیانه می‌باشد. در سال ۲۰۰۵ وی از تمام جوانان عرب خواست که به او بگویند دوست دارند کشورشان در بیست سال آینده در چه وضعیتی و چه

¹. Yasmine Saleh, "Amr Khaled Takes on Drugs," *Daily News Egypt*, March 17, 2008, available at <<http://www.dailystaregypt.com>>, accessed June 16, 2010.



شکلی باشد. بیش از یک و نیم میلیون نفر به درخواست او پاسخ گفتند و تیم خالد این پاسخ‌ها را در ۲۶ دسته، طبقه بندی کردند (برای مثال دسته‌هایی چون اشتغال زایی، بالا بردن نقش زنان در جامعه) و در مرتبه بعدی با استفاده از اینترنت و تلویزیون ماهواره‌ای از همان افراد درخواست کردند ایده‌ها و پروژه‌های خود را برای تحقق این اهداف اعلام کنند.^۱

۳. ارتقای سطح شبکه‌های محلی موجود و منابع سرمایه اجتماعی

دولت‌ها و سازمان‌های مردم نهاد امیدوارند به جای تأسیس سازمان‌های محلی جدید، با استفاده از شبکه‌ها و مؤسسات موجود تغییرات جدید و پایداری را در اجتماعات مشخصی ایجاد کنند که در حیطه توسعه روابط کاری نیازمند خلاقیت و کارآمدی بیشتر هستند. گاهی اوقات وام دهندگان غربی به دنبال نهادهای درون کشوری هستند که تعریف این وام دهندگان را از سازمان مردم نهاد را بپذیرند و ادبیات حرفه‌ای و فرهنگی ایشان با این وام دهندگان یکسان باشد. گاهی اوقات که نمی‌توان مواردی اینچنینی یافت و بنابراین اغلب اوقات از به دست آوردن اعتبار یا سهامدار محلی باز می‌مانند.

این مشکل نشان می‌دهد که لازم است در تعامل با طبقات و محدودیت‌های متعارف خارج از حیطه خود، تساهل و تسامح را باید افزایش داد. برای مثال، در بسیاری از جوامع مسلمان، شبکه اجتماعی پیرامون اشخاص مذهبی سنتی (مانند رهبران صوفی) از سطح بالایی از اعتبار برخوردارند، و جدای از عملکرد مذهبی خود، مبنایی مناسب برای پیوستگی و انسجام اجتماعی فراهم می‌آورند. بنابراین پتانسیل بسیار غنی به منظور ایجاد و پیگیری همکاری‌ها به وجود می‌آید که این سرمایه اجتماعی را به سمت اهداف توسعه اجتماعی سوق می‌دهد. دو مورد گویا در اینجا می‌توان ذکر کرد. پیش از این به مورد (P3M) Society for Pesantren and Development در اندونزی اشاره کردیم و گفتیم که فعالیت شبکه‌ای از این مدارس اسلامی شبانه‌روزی سنتی، منجر به شکل‌گیری همکاری‌های توسعه محلی و فراهم آمدن خدمات اجتماعی شد. در سنگال، مؤسسه موزدهیر اینترنشنال (Mozdahir International)، که در یک اجتماع محلی شیعی شکل گرفته است، چندین پروژه اقتصادی کشاورزی را طراحی و اجرا نموده است.

¹. See: <<http://amrkhaled.net>>.



۴. شراکت‌های فرابخشی به منظور کار آفرینی

با در نظر داشتن نیاز مبرم به ایجاد اشتغال برای ۲۰ تا ۲۵ درصد از افراد ۱۵ تا ۲۴ سال در خاورمیانه، که خارج از گردونه کاری هستند، همکاری‌های خلاقانه و ادغامی میان بازیگران مربوط در بخش‌های عمومی، خصوصی و غیر دولتی شکل بگیرد تا از این طریق امکان هماهنگی مناسب نیازها و ظرفیت‌ها فراهم آید.^۱ لازم است در مناطقی که بیش از همه نیازمند رشد اشتغال‌زایی هستند، اقدامات آموزشی و ظرفیت‌ساز کلید بخورد؛ در این راستا باید نیازهای صاحب‌کاران محلی و چشم‌انداز سرمایه‌گذاران در نظر گرفته شود و همچنین برنامه‌هایی مناسب برای تغذیه و پیوندسازی در نظر گرفته شود تا از طریق آنها چرخه «آموزش - استخدام» بیش از پیش نظام‌مند شود. انجام این مهم التزام پایدار شمار کثیری از سرمایه‌داران محلی، منطقه‌ای و جهانی را می‌طلبد. یکی از مؤسسات پیشرویی که در حال حاضر مسیر پیشروی این رویکرد را در خاورمیانه روشن ساخته، Silatech است (که در زبان عربی به معنای «ارتباط شما» می‌باشد). در این مؤسسه چارچوبی تحلیلی از نیازمندی‌های شغلی ارائه می‌شود که به نوبه خود سیاست‌گذاران و سهامداران را از شرکای مهم در دنیای تجارت و آژانس‌های بین دولتی باخبر می‌سازد. سیلاتک برنامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌های کوچک (microfinance)، توسعه تجاری و اشتغال‌زایی خود را در قطر و یمن اجرا می‌کند. (www.silatech.com)

۵. سرمایه‌گذاری مشترک بنیادهای [خیریه] و بشردوستان امریکایی و مسلمان

با اینکه بنگاه‌های خیریه عمده در آمریکا و دنیای اسلام اهداف مشابهی را پی‌گیری می‌کنند، از جمله تسکین درد و برطرف ساختن مشکلات بشر، ریشه کن کردن بیماری‌ها و گسترش سلامت عمومی، به ندرت دیده می‌شود که این گروه‌ها نیروهای خود را در هم ادغام کنند یا به منظور بهره‌برداری از مزایای کار جمعی، در کنار یکدیگر دست به کار شوند. با اینکه در چند مورد محدود این نوع همکاری‌ها در آمریکا صورت پذیرفته است - مانند همکاری خیریه اسلامی ایالات متحده آمریکا (Islamic Relief USA) و کامپین وان (Campaign ONE) به منظور ریشه کن کردن مالاریا - اما عمده‌ترین بنیادهای خصوصی و آژانس‌های بشر دوستی در آمریکا و جهان اسلام، بیشتر تمایل دارند با طیف محدودی از بازیگران این عرصه همکاری کنند. چنین

¹ Navtej Dhillon and Tarik Yousef, *Generation in Waiting: The Unfulfilled Promise of Young People in the Middle East*, Washington DC: Brookings Institution Press, 2009.



همکاری‌هایی تنها به عنوان نیروهای تقویت کننده برای تأثیرگذاری اجتماعی شکل نمی‌گیرند، بلکه به عنوان حرکتی سمبلیک درخور توجه هستند.

یکی از سازمان‌های مهم و جدید که به منظور توسعه و تنوع بخشی به سنن رایج در جهان اسلام فعالیت می‌کند کنگره جهانی بشر دوستان مسلمان (World Congress of Muslim philanthropists) می‌باشد - که همچنین تلاش می‌کند از طریق حرکت‌های بشر دوستانه فرهنگ‌های مختلف را به یکدیگر نزدیک کند. این کنگره با ایجاد شبکه‌ای از خیرین و کارآفرینان تلاش می‌کند با مشکلات بومی چون بیماری و گرسنگی رویارویی کند. برای مثال بنیاد حسنا (Hasanah Fund) این شبکه خیرین را به دیگر شبکه‌های خیر چون اکشن اید (ActionAid) و مجامع مرتبط در سازمان ملل متصل می‌کند. این کنگره همچنین رهبری حرکتی را بر عهده گرفته است که می‌کوشد هزینه‌های حاصل از زکات را در برنامه‌های مربوط به توسعه و از میان بردن فقر، هزینه کند.

حرکت به آنسوی [مقوله] دو قطبی ایالات متحده - جهان اسلام

در نهایت، با اینکه بسیاری از این مباحث به منظور توسعه روابط ایالات متحده - جهان اسلام مطرح شد، اما یکی از اهداف مهم این همکاری‌های باید این باشد که این ایده را که اینها دو مقوله جدایی از هم هستند، از میان برد - دو مقوله‌ای که با خصایصی متمایز توصیف می‌شوند. در یک سطح این بدین معنی است که باید رابطه‌ای که می‌توان آنرا پدرسالاری نامید پشت سر نهاد؛ رابطه‌ای که در آن آمریکا سرمایه و ظرفیت‌های تکنیکی لازم برای از میان بردن مشکلات جهان اسلام را فراهم می‌آورد. در واقع رویکردی که در اینجا بدان پرداخته شده است، در مورد توسعه و بسط برنامه‌هایی است که به شناسایی آن دسته از مشکلاتی اجتماعی می‌پردازد و آن شرایطی را در نظر می‌گیرد که هم در پاکستان و مصر و هم در شیکاگو و لس‌آنجلس، یافت می‌شود. اما حرکت به آنسوی دو قطبی آمریکا - جهان اسلام، نیز به معنی درک این واقعیت است که آمریکا خود نیز بخشی از جهان اسلام است - با ۳ تا ۵ میلیون مسلمان. از این رو، مسلمانان امریکایی به عنوان رهبران و پل سازان ایجاد همکاری‌های قابل تبدیل، نقشی کلیدی ایفا خواهند کرد.

اگر فعالیت‌هایی که در اینجا ترسیم شد هدفی بلند مدت، فراتر از تغییرات اجتماعی مثبت که قادر به ایجاد آن هستند، داشته باشند، باید بکوشند تلاش‌هایی را که برای بهبود روابط ایالات متحده - جهان اسلام صورت می‌گیرد را به موضوع نامربوط تبدیل کنند. به عبارت دیگر، ما امیدواریم زمانی برسد که همکاری‌های میان دولت‌ها، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم نهاد و نهادهای بشر دوستی در آمریکا و جهان اسلامی، آنها را به ساختاری یکپارچه و رسمی نزدیک کند که صحبت از



Mashreghnews.ir

آنها به عنوان شیوه‌ای مناسب برای بالا بردن منافع مشترک و رویارویی با نگرانی‌های یکسان، بی معنی باشد.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

Ehaab Abdou, Amina Fahmy, Diana Greenwald, and Jane Nelson, Social Entrepreneurship in the Middle East: Toward Sustainable Development for the Next Generation, Washington DC: The Wolfensohn Center for Development at the Brookings Institution and the Dubai School of Government, 2010,
http://www.brookings.edu/~media/Files/rc/reports/2010/04_social_entrepreneurship/04_social_entrepreneurship.pdf.
Special Edition of the journal Innovations: Technology | Globalization | Governance for the 2008 World Economic Forum on the Middle East, Massachusetts Institute of Technology Press, 2008 [in Arabic], http://www.weforum.org/pdf/schwabfound/INNOVATIONS_World-Economic-Forum-Middle-East-2008_FINAL.pdf.
<http://ashoka.org/mena> & <http://www.ashoka-arab.org/ashoka/>
<http://www.acumenfund.org/>